



تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۸/۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۱/۲۱

کارکرد ساختار خطی نوشتارنگاری فارسی ولاتین از منظر تجسمی

فهمیه دانشگر* فائزه طاهری**

چکیده

نوشتار و تصویر دو مؤلفه اصلی تشکیل دهنده آثار گرافیکی هستند. اصولاً بیشتر به ابعاد تجسمی تصویر توجه می‌شود اما وجه دیداری نوشتار هم سبب می‌شود قواعد تجسمی مشترکی بین تصویر و نوشتار شکل گیرد که در نهایت بر انتقال مفهوم بعد کلامی آن اثر خواهد داشت. از آنجا که مبانی هنرهای تجسمی در نوشتارنگاری فارسی هم مانند سایر پدیده‌های دیداری وجود دارد به این معنا که اگر در نوشتار تغییر ساختاری ایجاد شود، موجب خدشه‌دار شدن ابعاد تجسمی حاکم بر آن می‌شود شناخت عنصر خط، انواع آن و نیز جهت‌های آنها در شکل‌گیری نوشتارنگاری فارسی یکی از موارد ضروری برای آشنایی با اصول بصری و تجسمی نوشتارنگاری فارسی است. شناخت این قواعد در خلق ترکیب‌بندی‌های پویا و قانونمند مؤثر است و از بیگانگی نوشتار با تصویر در اثر گرافیکی جلوگیری به عمل می‌آورد. سؤال کلی این پژوهش این است که آیا از منظر مبانی هنرهای تجسمی جنبه بصری خطها در نوشتارنگاری فارسی برای استفاده در طراحی گرافیکی عنوان و شعار جایگاهی دارد؟ اگر چنین است، تفاوتها و اشتراکات حضور عنصر بصری خط در نوشتارنگاری فارسی و لاتین کدام‌اند؟

این تحقیق به‌روش تجربی بر مبنای اصول و مبانی هنرهای تجسمی انجام پذیرفته و به عملکرد بصری انواع خط در نوشتارنگاری فارسی و تطبیق آن با عملکرد مشابه در نوشتارنگاری لاتین می‌پردازد. هدف از این پژوهش شناسایی تنوع ساختار خطها در نوشتارنگاری فارسی و مقایسه کارکرد تجسمی آنها با نوشتارنگاری لاتین به منظور تأکید بر وجود امکانات کاملاً متفاوت - در خلق ترکیب‌بندی‌ها - در این دو نوع نوشتار است. انتظار می‌رود از بررسی انواع خط‌های دیداری و تطبیق کارکرد آنها در چیدمان نوشتارنگاری فارسی و لاتین این نتیجه به‌دست آید که توجه به تأثیر انواع خطوط دیداری و کارکرد آنها در ساختار نوشتارنگاری فارسی، چنانکه در نوشتارنگاری لاتین نیز هست، بر قدرت انتقال معنا و حس حاصل از آن به دریافت‌کننده مؤثر است. به نظر می‌رسد در مجموعه واژگان تشکیل شده از نوشتارنگاری فارسی، تنوع ساختاری عنصر خط نسبت به حروف لاتین بیشتر باشد و باعث امکان پویایی بیشتر و در نتیجه تنوع حس‌های حاصل از آنها در ترکیب‌بندی عنوان‌ها و شعارها شود.

کلیدواژه‌ها: مبانی هنرهای تجسمی، ساختار خطی، عنصر بصری خط، راستا، تعادل بصری

* استادیار، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء (ص)، تهران.

** دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشگاه هنر اصفهان و پژوهشگر جهاددانشگاهی، واحد هنر، تهران. (نویسنده مسئول)

مقدمه

نوشتار اعم از فارسی و غیرفارسی هنگامی که در یک اثر گرافیکی قرار می‌گیرد، بلافاصله به‌طور همزمان حامل دو جنبه دیداری و کلامی می‌شود. بیگانگی از وجود مؤلفه‌های دیداری مشترک بین نوشتار و تصویر موجب عدم تعامل بین آنها و شکل‌گیری ترکیب ریختاری^۱ ناهمسوی تصویر و نوشتار با هم می‌شود. در آموزش‌های مبانی هنرهای تجسمی، خط به سه نوع اصلی راست و منحنی و شکسته تقسیم‌بندی می‌شود. این سه نوع خط هم از لحاظ دیداری و هم از لحاظ بار احساسی باهم متفاوتند. همان‌طور که انواع خط‌های دیداری در ساختار تصاویر مختلف معانی و استفاده‌های مختلفی دارند، نوشتار نیز از لحاظ نوع خط‌های موجود در ساختار خود، همان اصول و معانی را دارد و با تغییر نوع این خط‌ها و جهت‌های آنها و در نتیجه گردش بصری آنها شکل و احساس نوشتار نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. شناخت انواع خط در ساختار حروف در نوشتار چاپی فارسی (اعم از تک‌حرف یا مجموعه حروف متصل به هم برای ایجاد واژه‌ها) از دو جنبه قابل بررسی است:

۱. خط‌های بنیادین سازنده شکل حروف فارسی: مثلاً حرف «ن» که شامل یک خط عمودی و یک خط منحنی است.
 ۲. نوع خط‌های تشکیل‌دهنده قلم حروف: مثلاً فونت «کودک» که نوع خطوط سازنده آن خطوط منحنی است، در حالی که در فونت «ترافیک» نوع خط سازنده فونت به‌علت زوایای اندکی تیزتر موجود در آن بیش‌تر به خط دیداری شکسته نزدیک است.
- در هر دو حالت حضور عنصر خط و انواع آن بر حس دیداری و بار احساسی نوشتار تأثیر مستقیم دارد.

در این جستار پاسخ به پرسش‌های زیر مورد نظر است:

۱. آیا عنصر خط در حروف مختلف چاپی، بر ترکیب نوشتار و ناگزیر حس‌های حاصل از آنها تأثیر گذار است؟
۲. کدام گونه از خط‌ها در نوشتارنگاری فارسی و لاتین شاخص‌تر هستند؟
۳. عنصر خط در تأکید یا توقف بصری در نوشتارنگاری آ‌وجهت‌گیری چشم در جریان خوانش پیام چه نقشی دارند؟

فرضیات پژوهش عبارت‌اند از:

۱. در نوشتار چاپی فارسی، مانند حروف لاتین، انواع خطوط تجسمی در جهت‌گیری دید و تعامل نوشتار با تصویر نقش دارد.
۲. جهت‌های حروف در نوشتار چاپی فارسی بسیار متنوع‌تر از نوشتارنگاری لاتین است.

۳. نوع خط تجسمی غالب در تک‌حرف‌های چاپی فارسی منحنی و در واژه‌ها و اتصالات فارسی از نوع افقی است. شناخت انواع خط‌های تشکیل‌دهنده نوشتارنگاری فارسی و توجه به نقش این خط‌ها در شکل‌گیری چیدمان اثر گرافیکی و کاربرد آن در طراحی عنوان^۲ و شعار^۳ هدف این پژوهش است. کاربرد این پژوهش به‌طور اخص در حیطه طراحی عنوان‌ها و شعارها در حوزه گرافیک است. از این‌رو بررسی انجام شده در مورد تک‌حرف‌ها و مجموعه نوشتارنگاری برای طراحی پوستر، عنوان کتاب، عنوان مقالات در نشریات، عنوان اصلی فیلم، عنوان بروشور و کاتالوگ و ... مصداق خواهد داشت.

شناخت خط‌ها در ساختار حروف و نقش آنها در چیدمان حاصل از نوشتار، از جنبه تجسمی ضرورت دارد. از طریق این شناخت می‌توان تا حد زیادی به قابلیت‌های دیداری موجود در نوشتار چاپی فارسی - با تکیه بر انواع خط - و اشتراکات و تفاوت‌های آن با نوشتارنگاری لاتین پی برد.

پیشینه تحقیق

آنچه راهگشای این پژوهش شده است، آموزش‌های شناخت نوشتارنگاری لاتین از منظر هنرهای تجسمی (نقطه، خط، سطح و ...) است که در اسلاف مدارس عالی گرافیک، بازل^۴ و باوهاس^۵، مورد توجه و تدقیق قرار گرفته است. تاتی موتی^۶ (۲۰۰۶) در کتاب خود «کتاب نوشتارنگاری» بر این اعتقاد است که عناصر اولیه هنرهای تجسمی در نوشتارنگاری لاتین، در امر برقراری ارتباط دیداری، نقشی بنیادی دارد. در مورد نوشتارنگاری فارسی، از منظر و روش این پژوهش مطالعه‌ای گزارش نشده است.

روش تحقیق

از آنجا که چیدمان پیام نوشتار اصلی نوشتارنگاری در آثار گرافیکی در موقعیت دیداری قرار دارد، تحلیلی تجربی با استناد بر شاخص‌های مبانی تجسمی - که زیربنای هنرهای دیداری است - توأم با نگاهی تطبیقی به نحوه شناخت نوشتارنگاری لاتین برای دستیابی به عملکرد دیداری آن، راهگشا خواهد بود. اما در این مقاله فقط به حضور و نقش عنصر خط که اصلی‌ترین عنصر اولیه در نوشتارنگاری است، پرداخته شده است. جامعه آماری قلم (فونت)‌های ساده و در دسترس عموم است. نمونه موردی حروف فونت «میترا» فارسی و حروف فونت «گارمند»^۷ لاتین است که به روش مشاهده گزینش شده‌اند.

بر آنچه تاکنون در خصوص آموزش مبانی هنرهای تجسمی آموخته‌ایم، خطوط شامل سه نوع: ۱- راست، ۲- منحنی و ۳- شکسته است. «خطوط راست شامل: ۱- خطوط کشیده یا افقی، ۲- خطوط قائم، ایستاده یا شاغولی، ۳- خطوط قطری یا اریب» است. (آیت‌اللهی، ۱۳۸۵: ۲۵).

بنابراین، بررسی نقش محوری این خط‌ها در نوشتارنگاری فارسی و حروف بزرگ لاتین برای شناخت نوشتار فارسی از منظر خط‌های تشکیل دهنده آنها و نقش این شناخت در شکل‌گیری نوشتار در اثر گرافیکی و نیز میزان حضور این خط‌ها در حروف و نوشتار فارسی و تفاوت‌های این حضور در حروف منفصل و کلمات متصل لازم است.

از آنجا که با تناسب ریاضی بهتر می‌توان در مقام مقایسه برآمد، بنابراین تمام تناسب‌های درمقیاس مساوی و با اعداد و ارقام بررسی شده است. با توجه به جداول (۱ و ۲) و مقایسه خط‌های تشکیل‌دهنده حروف بزرگ لاتین و نوشتارنگاری فارسی می‌توان به حضور مشترک سه نوع خط دیداری در این دو گونه نوشتار و همچنین تفاوت در نحوه قرارگیری خط‌های تجسمی در کنار هم در حروف بزرگ لاتین و تک حرف‌های فارسی پی برد.

در این بررسی اجمالی به علت حالت‌های گوناگون ترکیب خط‌ها باهم فقط سه نوع خط راست، شکسته و منحنی کامل در نظر گرفته شده است. یادآور می‌شود که خطوط مورب با تکرار در کنار هم به‌عنوان خط شکسته تلقی شده و در صورت وجود تنها یک خط مورب جزء خطوط مورب محاسبه شده است. (Timothy, 2006)

با مقایسه اعداد در هر ردیف مشخص می‌شود که تقریباً هیچ‌کدام از حروف بزرگ لاتین با خط افقی شکل نگرفته‌اند، حجم عمده خط‌های سازنده در این حروف ترکیب خط‌های منحنی و راست است، در حالی که در حروف فارسی بیشترین حجم را خط‌های منحنی تشکیل می‌دهند.

حضور خط‌های افقی در نوشتار فارسی تقریباً ۱۳۰ برابر بیشتر از نوشتار لاتین است. این حضور فراوان خط‌های افقی در نوشتار فارسی در صورت اتصال حروف به یکدیگر و ایجاد واژه‌ها و عبارات افزایش بیشتری می‌یابد زیرا ریخت‌های دیگری مثل خط‌های منحنی و عمودی به محض ترکیب و اتصال با یکدیگر به خط‌های دیداری افقی تبدیل می‌شوند. از آنجا که در شکل‌گیری واژگان، حروف حلقه‌دار (منحنی) فارسی با تغییر شکل از منحنی به افقی به‌طور کلی دچار

این نمونه‌ها از بُعد ساختار با اهداف تحقیق مطابقت دارند و بنابراین دو الگواره^{۱۱} قابل تعمیم به بسیاری از فونت‌های آماده و در دسترس عموم طراحان گرافیک می‌باشند.

در این جستار ابتدا وجه خطی تک حرف‌های (حروف منفصل) دو فونت «میترا» در نوشتارنگاری فارسی و «گارامند» لاتین بر مبانی قواعد مبانی هنرهای تجسمی تحلیل شده و سپس به تغییر شکل نوشتارنگاری فارسی به علت اتصال آنها به یکدیگر در ترکیب واژه‌ها از منظر خطی پرداخته شده است. در این راستا به انواع خط‌ها در ساختار حروف فارسی و لاتین (مثلاً نوع خط غالب در حرف «ع» که خط منحنی است) پرداخته شده است.

بحث اصلی

آنچه در مدارس گرافیک جهان برای آشنایی هنرجویان با نوشتار انجام می‌شود، کاملاً مبتنی بر اصول و مبانی هنرهای تجسمی است. شناخت حروف از دیدگاه ریختاری آنها موجب تسلط هنرجویان به ظرفیت‌های دیداری هر حرف و مجموعه حروف می‌شود. آشنایی با قابلیت‌های دیداری حروف در ایجاد تعامل مفید بین نوشتار و تصویر در اثر گرافیکی کمک‌سازنده‌های به بیان پیام می‌کند.

نوشتارنگاری فارسی در مقایسه با نوشتارنگاری لاتین از جنبه دیداری پیچیده‌تر و متنوع‌تر است. اگرچه هر دوی آنها از لحاظ تنوع ریختار و خطوط دیداری دارای تشابهاتی هستند، از حیث امکانات و تنوع در چیدمان باهم اختلاف دارند.

شاید به دلیل همین تفاوت‌هاست که شناخت اصول و مبانی هنرهای تجسمی برای حروف فارسی هم اهمیت می‌یابد. در تفاوت کاربرد و نحوه قرارگیری خط‌های دیداری در حروف لاتین و فارسی باید گفت که در یک چیدمان حروف (لی‌اوت)^{۱۱} (مشترک و یکسان، حروف فارسی و لاتین دو عملکرد دیداری متفاوت بروز می‌دهند. نوشتار فارسی به علت اتصال حروف به یکدیگر از لحاظ ریختاری بسیار سیال است. حال آنکه نوشتار لاتین بیشتر ثابت به نظر می‌رسد. از این رو چالش‌ها و تنوعات دیداری که به واسطه نوشتار فارسی وارد اثر بصری می‌شود، امکانات متنوعی در ترکیب تصویر و نوشتار برای هنرمند ایجاد می‌کند (به دلیل تنوع خط‌ها و شکل‌ها در هر کدام از حروف و کلمات).

از لحاظ آموزش‌های مبانی در مدرسه بازل سوئیس: «ساختار فرم‌ها باید ساده باشد، آنها نباید بیشتر از سه نوع عنصر خطی داشته باشند». (مان فرد، ۱۳۸۳: ۱۵۱). بنا

جدول ۱. تطبیق حضور خطوط سازنده حروف فارسی و لاتین.

شکل بصری / نوع نوشتار	منحنی	افقی	عمودی	اُریب	افقی و عمودی	منحنی و اُریب	منحنی و عمودی	منحنی و افقی	منحنی و افقی	منحنی کامل
نوشتار فارسی عدد ۳۲	۱۴	۴	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲
درصد	۴۳/۷٪	۱۲/۵٪	۳/۱٪	۱۸/۷٪	۱۲/۵٪	۹٪	۹٪	۳/۱٪	۳۱/۲۵٪	۳۱/۲۵٪
نوشتار لاتین عدد ۲۶	۱۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
درصد	۳۸٪	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰

(نگارندگان)

جدول ۲. تطبیق عددی خطوط سازنده حروف لاتین و فارسی.

شکل ظاهری / نوع نوشتار	افقی غالب	عمودی غالب	منحنی غالب	اُریب	ترکیبی
فارسی	۱۳۰	۲۶	۳۶۴	۱۵۶	۱۵۶
لاتین	۰	۹۶	۱۹۲	۲۵۶	۲۸۸

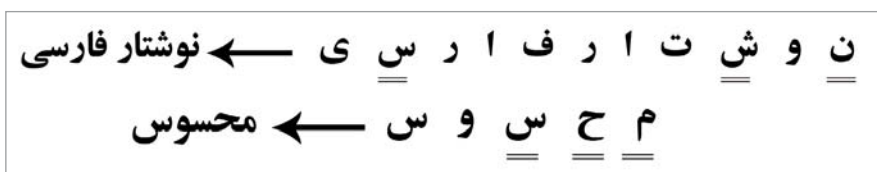
(نگارندگان)

۲- افقی و عمودی و مایل (مرکب) مثل ک، گ
 این پارادایم از حروف فارسی حاصل ترکیب هر سه گروه خط راست و از لحاظ دیداری بسیار پرتحرک هستند. در صورت ترکیب با حروف دیگر و تشکیل واژه کل عبارت دچار چالش دیداری می‌شود. این حروف به دلیل وجود حرکت خط مایل، به تنهایی یا در حال ترکیب با حروف دیگر، با قدرت بیشتری نسبت به سایر حروف عمل می‌کنند.
 دو گروه حرفی یادشده به لحاظ موقعیت مکانی دقیقاً وانهاده بر خط کرسی هستند. به همین دلیل حضور راستای افقی در کلمات حاصل از آنها افزایش می‌یابد و آنچه این یکنواختی و حرکت افقی را برهم می‌زند، حضور حروف مرکب افقی/عمودی و حروف مایل/منحنی است. به علت آن که حرکت افقی حروف کاملاً مماس بر خط کرسی است، وجود حروف بالاتر و پایین‌تر از خط کرسی سبب تعدیل انرژی یکنواخت موجود در حروف تماماً افقی و مماس بر خط کرسی می‌شود.

استحاله دیداری می‌شوند، می‌توان گفت تفاوت مهم بین نوشتار فارسی و لاتین در ترکیب دیداری نوشتار حضور قدرتمند خط افقی در نوشتار فارسی است (تصویر ۱) در حالی که در نوشتار لاتین - با حروف بزرگ یا کوچک - خط افقی به طور متصل وجود ندارد. نوشتار لاتین فاقد هرگونه محوریت افقی در ذات خود است و این امر به علت انقطاع حروف آن ایجاد می‌شود.
 در اینجا به دسته‌بندی حروف فارسی از منظر خط‌های ساختاری آنها پرداخته می‌شود:

الف: حروف تشکیل‌شده از خطوط راست:

۱- افقی و عمودی: ب، پ، ت، ث
 این پارادایم حروف از دو حرکت عمودی و افقی تشکیل شده‌اند و جهت کلی این حروف از راست به چپ است. حرکت از بالای سمت راست آغاز و به بالای سمت چپ ختم می‌شود (تصویر ۲). در صورت استفاده از این حروف در میانه کلمه و ایجاد اتصال، حرکت رو به بالا در سمت چپ حذف می‌شود (تصویر ۳).



تصویر ۱. استحاله بصری در حروف فارسی. (نگارندگان)

اتصالات فارسی، این حروف در ایجاد و توقف بصری و استراحت چشمی در جریان خوانش نوشتار نیز تأثیر دارند. پس می‌توان گفت که این حروف به دلیل حرکت منحنی موجود در آنها موجب خروج مقطعی چشم از جریان خوانش در گردش چشمی موجود در نوشتار فارسی می‌شوند (تصویر ۱).

۲- کارکرد حروف منحنی‌وار در نقش خط‌های افقی:

این حروف در جریان نوشتار فارسی دچار استحاله بسیار زیادی می‌شوند زیرا به کلی از شکل غالب منحنی به شکل غالب افقی تغییر می‌یابند. به همین علت از نقش‌های بیان شده در بالا که به علت شکل منحنی حروف حاصل می‌شد، فاصله می‌گیرند و بیشتر در نقش خط افقی ظاهر می‌شوند و به تبع این تغییر، معنای دیداری خط افقی را به خود می‌گیرند (هافمن، ۱۳۶۹).

بنابراین به علت تعداد زیاد این حروف در کل نوشتار فارسی، به نقش سازنده آنها در خلق ترکیب‌های فعال می‌پردازیم زیرا این خطوط از لحاظ نوع و شکل ظاهری با خطوط دیگر- مثل خطوط افقی، عمودی و مایل- در تضاد کامل هستند و به همین دلیل در تعدیل وزن حاصل از خط‌های دیگر، هم از لحاظ ریختاری و هم از لحاظ موقعیت مکانی نسبت به خط کرسی، نقشی تعیین‌کننده دارند. (Cater, 2002) برای مثال، در کلمه‌ای مثل «نوشتاری» حرکت متصل و پیوسته افقی با دو حرکت مایل و رو به پایین و یک حرکت عمودی و رو به بالا دچار توقف می‌شود. حضور نقطه‌ها و دندانه‌ها بر فشار بصری می‌افزاید. در نتیجه فشار حاصل از ۱- نقطه‌ها، ۲- حرکات مایل-افقی-عمودی، و ۳- دندانه‌های حروف با حرکت منحنی موجود در حرف «ی» متعادل می‌شود (تصویر ۶).

با توجه به فرضیه مطرح‌شده، با وجود اینکه نوشتار فارسی تلفیقی از خط‌های دیداری ذکرشده است و تقریباً تمام انواع خط‌ها در شکل‌گیری حروف و نوشتار فارسی دخیل هستند، حضور خط افقی در مجموعه نوشتار قدرتمندتر و غالب است و بنابراین حس‌ها و بیان دیداری حاصل از این

۳- حروف تشکیل‌شده از خطوط مایل: د، ر، ز، ژ، و: این پارادایم از حروف فارسی از خط‌های مایل تشکیل شده‌اند. حرکت مایل در این حروف دارای جهت راست به چپ است. حرکت مایل این گروه از حروف فارسی و خروج بصری حاصل از آنها سبب می‌شود انرژی موجود در خط افقی نوشتار اندکی کمتر از (کوگ) باشد.

به‌طور مثال در کلمه‌ای مثل «سراسر»، تراکم دیداری موجود در حرف (س) به علت دندانه‌های آن به وسیله حرکت مایل حرف (ر) تعدیل (تصویر ۴) و حرکت عمودی (الف) مانع خروج چشم از جریان نیروی بصری کلمه می‌شود (تصویر ۵). حرکت حرف (ر) در این کلمه یا کلمات مشابه، به‌مثابه فرصتی برای استراحت دید است و در برخی از کلمات دیگر علاوه بر تعدیل فشار و تأکید بصری موجود در نوشتار، موجب ایجاد تعادل و نیز تقسیم وزن بصری کلمه می‌شود.

حرکت حروفی که دارای خطوط مایل کوتاه هستند، معمولاً زیر خط کرسی قرار می‌گیرد، به همین دلیل از لحاظ وزن بصری پایین خط کرسی به علت حضور بیشتر حرف‌ها سنگین‌تر به نظر می‌آید و آنچه مقداری از این سنگینی می‌کاهد، خطوط مورب و عمودی موجود در بالا و روی خط است.

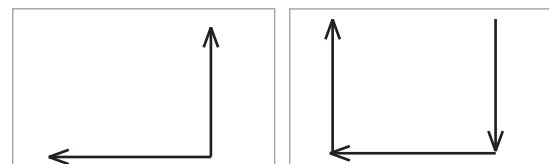
ب: حروف تشکیل‌شده از خطوط منحنی:

س، ش، ص، ض، ع، غ، ق، ن، ه، ی، ح، ج، چ، خ هجده عدد از ۳۲ حرف فارسی دارای خط تماماً منحنی یا غالباً منحنی هستند. این گروه از حروف فارسی دو کارکرد دیداری مهم دارند:

۱- کارکرد خطوط منحنی مستقل در حروف: این حروف در انتهای واژگان فارسی شکل منحنی خود را حفظ می‌کنند. این حرکت منحنی بیشتر در زیر خط کرسی قرار می‌گیرد و به همین دلیل نقش سازنده‌ای در تعدیل نیروی موجود در خط افقی نوشتار دارد. علاوه بر این، به علت تفاوت شکل منحنی خطوط سازنده در این حروف و شکل افقی غالب موجود در

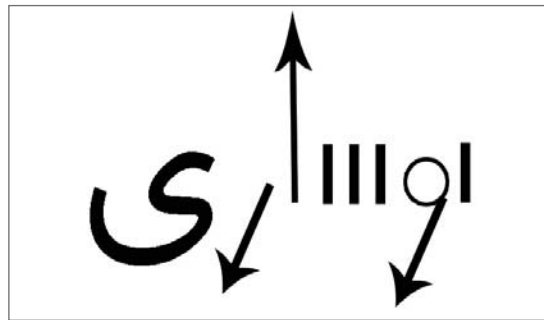


تصویر ۴. (سمت راست): جهت بصری حرف «الف». (نگارندگان)
تصویر ۵. (سمت چپ): جهت بصری حرف «ر». (نگارندگان)



تصویر ۲. (سمت راست): جهت حرکت چشم در ب منفصل. (نگارندگان)
تصویر ۳. (سمت چپ): جهت حرکت چشم در ب متصل. (نگارندگان)





تصویر ۶. جهت بصری خطوط سازنده کلمه «نوشتاری». (نگارندگان)

خط نیز در شکل‌گیری ترکیب دیداری و انتقال حس در پیام مؤثر است (اندیس، ۱۳۸۷).

بنا به مطالب ذکر شده به سه اصل زیر می‌توان اشاره کرد:

۱- نوشتارنگاری فارسی متصل و حروف لاتین منفصل

هستند: نوشتار فارسی در جریان شکل‌گیری واژه‌ها، عبارت‌ها و جمله‌ها به‌طور کامل با آنچه در نوشتار لاتین رخ می‌دهد - از منظر شکل‌گیری دیداری آنها - متفاوت است. در دو «گونه» نوشتار مورد بررسی، با ایجاد واژه‌ها ریختار حاصل به خط افقی نزدیک می‌شود اما محوریت و پویایی خط افقی در نوشتار فارسی شاخص‌تر است. خط افقی حاصل از اتصال حروف در نوشتار فارسی در تعدیل نیرو، تأکید و همچنین تمرکز حرکات دیداری نقشی اساسی دارد در حالی که خط افقی حاصل از کلمات لاتین فاقد تنوع، یکنواخت و منقطع است و شاید به‌همین دلیل به‌نظر می‌رسد جای‌گذاری نوشتار لاتین در ترکیب کلی آثار در مقایسه با نوشتار فارسی چالش کمتری می‌طلبد.

۲- برخی از عوامل ایجاد چالش دیداری در نوشتار چاپی فارسی نقطه‌های حروف و سرکش‌های آنها هستند:

نقطه‌ها و سرکش‌های حروف در ایجاد تعادل، گردش چشم و جهت‌گیری صحیح و منطقی در جریان خوانش دخیل هستند. اما تمام نیروها و چالش‌های حاصل از موارد یادشده حول محور افقی نوشتار فارسی رخ می‌دهد و همین امر سبب می‌شود تا تمام نیروهای واردشده به خط افقی منتقل شود و در نتیجه خط افقی نوشتار فارسی حامل تأکید و فشار بصری بیشتری گردد، به این معنی که انفصال حروف در جریان شکل‌گیری واژه‌ها و وجود انحناها یا خط‌های عمودی و مورب در تخلیه این فشار نقشی مؤثر دارند. خط افقی در نوشتار فارسی هم حامل فشار و تأثیر بصری است و هم عامل خروج این فشار بصری را در خود دارد. در نتیجه، به‌نظر می‌رسد خط افقی حاصل از نوشتار فارسی در شکل‌گیری چالش‌های بصری در جریان نوشتار فارسی نقشی عمده دارد.

۳- واژه‌ها در نوشتار چاپی فارسی و نوشتار لاتین از هم‌نشینی حروف در کنار هم حاصل می‌شوند: اما نحوه کنار هم قرار گرفتن حروف در نوشتار فارسی و لاتین باهم متفاوت است. اجزای سازنده واژه‌ها در نوشتار فارسی حروف به‌هم متصلی هستند که در برخی از قسمت‌ها دچار شکست و جدایی بصری می‌شوند و هر کدام از این گروه‌های حرفی، که بخشی از یک واژه به‌شمار می‌روند، بار بصری جداگانه‌ای دارند. حروف از کنار هم قرار گرفتن چند نوع خط دیداری تشکیل شده‌اند. در حروف بزرگ لاتین این گروه‌های خطی گروه‌هایی منفصل و جدا از هم تشکیل می‌دهند اما در حروف فارسی به‌علت اتصال حروف به یکدیگر و تشکیل واژه‌ها یک محور تقریباً واحد و متصل وجود دارد که به‌شکل خط افقی است و از اتصال حروف و تغییر شکل آنها در کنار هم ایجاد می‌شود. خط افقی حاصل از اتصال حروف به یکدیگر ممکن است به‌واسطه شکل خطی حروف دیگر تحت تأثیر قرار گیرد اما به‌نظر می‌رسد نقش محوری آن در ایجاد پایه دیداری افقی را نتوان نادیده گرفت (Cullen, 2007).

در مثال زیر، خط‌ها در واژه‌های نوشتار فارسی و لاتین (با حروف بزرگ) مقایسه شده‌اند. چنانکه ملاحظه می‌شود در حروف بزرگ لاتین خط عمودی و در نوشتار فارسی خط افقی نقش دیداری اساسی را ایفا می‌کنند (تصویر ۷ و ۸). خط‌های افقی موجود در کلمه font کشیدگی کمی دارند و در مقابل حرکت ایستاده خط‌های عمودی چندان به‌چشم نمی‌آیند.

خط‌های عمودی موجود در واژه «فونت» در نوشتار فارسی دارای ارتفاع بسیار کمی هستند و در مقابل کشیدگی خط افقی نمود بصری چندانی ندارند.

پس در جزئیات واژه‌های فارسی علاوه بر تجزیه خطی توجه به ریختار خطی کلمات نیز بسیار مهم می‌نماید زیرا کلمه‌های نوشتار فارسی در نگاه کلی از لحاظ خطی تنوع و حرکت بسیار زیادی دارند به‌طوری‌که ممکن است هر کلمه ساختار بسیار ساده‌ای - از یک یا دو نوع خط - داشته باشد یا دارای ساختاری بسیار پیچیده و متنوع - شامل چند خط دیداری در کنار یکدیگر - باشد. به‌هر حال، هر دو ساختار پیچیده و ساده در جریان خط‌های نوشتاری فارسی در ایجاد نقاط پرتأکید، پرچالش و پیچیده بصری در کنار نقاط بدون تأکید، بدون چالش و ساده نقش بصری دارند و می‌توان گفت که ترکیب خطی کلمات فارسی حاصل از تأکید بصری و نیز استراحت چشمی هستند.

همین نوع خط‌ها در جریان ایجاد گروه‌های نوشتاری باعث ایجاد تاریک - روشن بصری می‌شوند. بنابراین می‌توان



دیداری در کنار نقاط آزاد بصری و نقاط تاریک بصری در کنار نقاط روشن بصری قرار گرفته‌اند. به نظر می‌رسد این کنار هم قرار گرفتن اضداد در نوشتار فارسی سبب می‌شود تعادل بصری در کل عبارت حفظ شود (تصویر ۹).

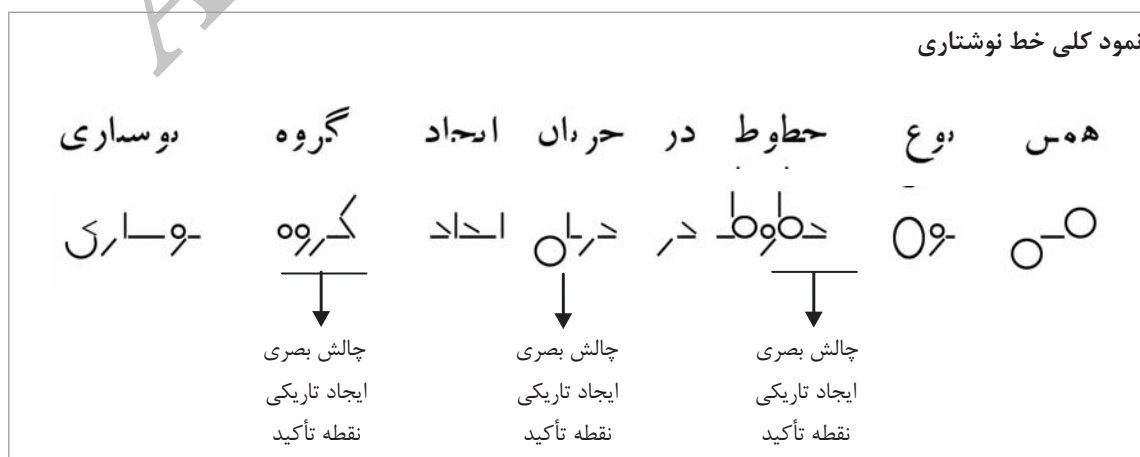
به نقش خط‌های تشکیل‌دهنده آنها در شکل‌گیری چیدمان خلاق حروف اشاره کرد (جنسن، ۱۳۸۸).
مثلاً در عبارتی مثل: «همین نوع خطوط در جریان ایجاد گروه نوشتاری» همان‌طور که مشاهده شد، نقاط پرچالش



تصویر ۷. تفکیک بصری خطوط سازنده کلمه «FONT». (نگارندگان)



تصویر ۸. تفکیک بصری خطوط سازنده کلمه «فونت». (نگارندگان)



تصویر ۹. چالش‌های بصری حاکم بر کلمات فارسی. (نگارندگان)

نتیجه گیری

این پژوهش کوشید تا به تبیین کارکرد ساختار خطی نوشتارنگاری فارسی و لاتین از منظر تجسمی اهتمام ورزد و نتایج زیر را نشان دهد:

- خط‌های دیداری در ساختار حروف، در نوشتار چاپی فارسی نسبت به نوشتار چاپی لاتین (با حروف بزرگ) متنوع‌تر است.
- در نوشتار چاپی فارسی نقش دیداری خط افقی در بین انواع دیگر خط شاخص‌تر است و این امر به علت اتصال حروف به یکدیگر برای تشکیل واژه‌ها، عبارت‌ها و جمله‌ها رخ می‌دهد.
- در نوشتار چاپی لاتین نقش خط‌های عمودی پراهمیت‌تر می‌باشد و این امر به علت عدم اتصال حروف به یکدیگر است.
- وجود خط‌های دیداری متنوع و نیز تغییر شکل و استحاله آنها در ساختار کلمات چاپی فارسی، باعث ایجاد تأکید یا تنفس بصری در جریان نوشتار می‌گردد.
- وجود سرکش‌ها و منحنی‌های حروف در نوشتار چاپی فارسی گاهی باعث خروج گردش چشم از جریان نوشتار فارسی و خط افقی فعال و نامرئی حاصل از اتصال حروف در نوشتار چاپی فارسی باعث حفظ جریان متصل دید می‌شود.
- با وجود اینکه خط غالب دیداری در نوشتار چاپی فارسی خط افقی است حضور نقطه‌ها، سرکش‌ها (خطوط مورب)، حفره‌های حروف (خطوط منحنی)، خطوط عمودی حاصل از شکل حروف و ... باعث می‌شود نقش دیداری خط افقی که باعث ایجاد کسالت در اثر بصری است، ضعیف و در نتیجه به پویاتر شدن خط‌ها و در نهایت به گروه واژگان فارسی (در عنوان‌ها و شعارها) کمک شود.

سپاسگزاری

از حمایت معاونت پژوهشی دانشگاه الزهراء(س) در این پژوهش، تقدیر و تشکر می‌شود.

پی‌نوشت

- 1- Formal
- 2- Charecter of font
- 3- Typography

در ایران، تایپوگرافی به غلط به خط نقاشی اتلاق می‌شود حال آنکه تایپوگرافی ترکیب نوشتارنگاری است که در چیدمان حروف (layout) به کار می‌رود.

- 4- Title
- 5- Slogan
- 6- Basel
- 7- Bauhaus
- 8- Timothy
- 9- Garamond
- 10- Paradigm
- 11- Layout



منابع و مأخذ

- آیت‌اللهی، حبیب‌اله. (۱۳۸۵). مبانی نظری هنرهای تجسمی. چاپ ششم، تهران: سمت.
- اِ داندیس، دونیس. (۱۳۸۷). مبادی سواد بصری. ترجمه مسعود سپهر. چاپ هفدهم، تهران: سروش.
- جنسن، چارلز. (۱۳۸۸). تجزیه و تحلیل آثار تجسمی. ترجمه بتی آواکیان. چاپ سوم، تهران: سمت.
- کاندینسکی، واسیلی. (۱۳۸۸). نقطه، خط، سطح. ترجمه پریسا محقق زاده. چاپ چهارم، تهران: مارلیک.
- مایر، مان‌فرد. (۱۳۸۳). مبانی و پایه هنرهای تجسمی در مدرسه بازل سوئیس. ترجمه عربعلی شروه. چاپ دوم، تهران: شباهنگ.
- هافمن، آرمین. (۱۳۶۹). طراحی در گرافیک تئوری و علمی. ترجمه محمد خزائی و سیدمحمد آوینی. چاپ اول، تهران: برگ.

- Cater, R. (2002). **Digital Color and Type**. East Sussex: Rotovision.
- Cullen, K. (2007). **Layout Workbook**. New York :Rockport.
- Timothy, S. (2006). **Typography Book**. New York: Rockport.

Archive of SID